

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
دوم جنوری ۲۰۰۹

صدای مردم

دل می تپد به یادت ، چشم انتظار تا کی؟
از بهر دیدن تو ، دل بیقرار تا کی؟
شد مدتی نبودی ، مهمان خانه ها ما
بینندگان پریشان ، شب زنده دار تا کی؟
کاشانه عزیزان ، تاریک و سرد و خاموش
ای نور و نار و الفت ، شبهای تار تا کی؟
حالا که چشم یاران ، از وجه تست روشن
چندی بمان عزیزم ، بسیار کار تا کی؟
برنامه های جالب ، تفریحی و سیاسی
از فرقتش دل ما ، گشته فگار تا کی؟
از گپ چو گپ بخیزد ، دشمن اگر ستیزد
اماتو بالمقابل ، بس بردبار تا کی
برنامه نگاه را ، باید ز جان شنیدن
ورنه به خواب غفلت ، یا زیر بار تا کی؟
لیکن همه جگرخون ، از غیبت (علمی)
برنامه ساز ماهر ، از ما فرار تا کی؟
یعنی (صدای مردم) کر کرده زنگ ما را
لطفاً بیاور او را ، ما زرد و زار تا کی؟

برنامه های دینی ، از بس شده زیاده
مردم همه گریزان ، بی اعتبار تا کی؟
از (گلبدین) و (طالب) بگریز و گو به ایشان
افتاده جانِ ملت ، چون گرگ و مار تا کی؟
روشنگرانه برگو ! روشنگران ، قیامی
مادر وطن شده پُر ، از لاشخوار تا کی؟
« نعمت » ز تو بخواهد ، آور (شکیب) ما را
ورنه بجای گلها ، روییده خار تا کی؟